

## شناخت‌شناسی منافع متقابل در محور مقاومت

محمد رحیم عیوضی<sup>1</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره 4، پیاپی 84، زمستان 1399؛ صفحات 30-5

تاریخ دریافت: 1399/10/30 تاریخ پذیرش نهایی: 1399/11/15

### چکیده

پس از انقلاب اسلامی ایران و چشم‌انداز آرمانی آن به تحولات منطقه‌ای و جهانی، ائتلافی از غرب با کشورهای سنی‌نشین حاشیه خلیج فارس به زعامت عربستان و بیشتر دولت‌های عربی علیه ایران شکل گرفت. از این رو محیط امنیتی خاورمیانه به مرکز ثقل حفظ منافع ملی و تهدیدهای امنیتی ایران تبدیل و ایران وادار به منطقه‌ای کردن قدرت خویش در چارچوب محور مقاومت شد. این محور با روی کار آمدن دولت شیعی عراق و پیروزی سوریه بر نیروهای داعشی به هدایت آمریکا و حامیان، اقتدار می‌مضاعف یافت. عملکرد امنیتی ایران به موقع و هوشیارانه بود. حمایت از گروه‌های شیعی در یمن و بحرین و حضور فعالانه در عراق و سوریه را می‌توان تلاشی برای حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و تأمین امنیت ملی ایران دانست. در حال حاضر هم امنیت جمهوری اسلامی در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، افغانستان و... به طور جدی تأمین می‌شود.

### واژگان کلیدی

محور مقاومت، نظام سلطه، جمهوری اسلامی، اسلام‌گرایی، منطقه‌گرایی

## مقدمه

انقلاب اسلامی، نماد اراده و پایداری ملت ایران و نقطه عطف جریان مقاومت در دهه‌های اخیر است. گفتمان انقلاب اسلامی با هدف کسب منزلت و استقلال ملت‌ها و زیستن در سایه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز آموزه‌های مقاومت را تعلیم داد. امروز که به سرنوشت مقاومت ملت‌ها در برابر تجاوز و اشغال و خشونت می‌نگریم، کارنامه موفق و دستاوردهای بسیاری مشاهده می‌شود. وضعیت کنونی منطقه نماد پیروزی عظیمی برای کشورهای اسلامی است که انگیزه پیمودن راه آینده را ارتقا می‌بخشد. جمهوری اسلامی ایران که با تأسی به فرهنگ دینی مقاومت، توانست مراحل پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب را با هزینه‌های بسیاری سپری کند، اکنون به نماد مقاومت منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. مروری بر دستاوردهای چند دهه حضور ایران و محور مقاومت در مقابل تجاوز و سلطه، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای را به نمایش می‌گذارد. باورپذیری ملت‌ها به استقلال‌خواهی و دفع سلطه به ادبیات فراگیری بین ملت‌ها تبدیل شده است. شکست سیاست‌های آمریکا و حامیان آن در منطقه استراتژیک غرب آسیا و حومه و شکل‌گیری مداوم نیروهای مقاومت در مناطق مختلف از نتایج اراده بر استقرار محور مقاومت است. اما فضای چالشی منطقه و رویدادهای عظیم آن منشأ سؤال‌هایی شده است و پاسخ‌ها می‌تواند از جهات متفاوت به استمرار حضور و شناخت ابعاد کشف‌نشده‌ای از مسائل کمک کند، امید به آینده را تقویت کند، اهداف و ضرورت‌ها را بازخوانی کند و شبهه‌ها را برطرف سازد.

مقاومت در ادیان الهی و ادبیات ادیانی دارای اصالت است. اصالت در این مفهوم را در آموزه‌های بیانی و عملی اسلام، مسیحیت، یهود، زرتشت و... می‌توان به تواتر مشاهده کرد. این مفهوم در ادبیات اسلامی جزء بدیهیات عقلیه است که تصور آن موجب تصدیق است. بنابراین اثبات آن نیاز به دلیل و برهان ندارد. البته لازم است وجوه متنوع معنایی و کارویژه‌های آن بررسی شود، اگر چه در یک تعبیر کلان به معنای مهندسی و مدیریت زمان، مکان و محتوا مبتنی بر نظام‌های ارزشی است. واژه مقاومت از فعل قام به معنای به پا خاستن و پایدار ماندن است و از آنجا که بر وزن مفاعله به کار برده شده، معنای آن را می‌توان ایستادگی کردن جمعی دانست. مشارکتی که وزن مفاعله بر آن بنا شده مشارکت گروهی یک‌طرفه، جهت‌دار و ایستادگی در برابر گروهی دیگر است. قرآن نتیجه ایستادگی و ایستادگی را به زیبایی این‌گونه بیان فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۹۱). در این آیه قرآن بر اساس کنش‌های ارزشی و عقلانی در یک الگوی فراملی محور مقاومت را



در مقابل استکبار درونی و بیرونی به تصویر می‌کشد. در بعد بیرونی واژه مقاومت به یکی از مبانی مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و کانون محور قدرت در جهان اسلام است.

در فرهنگ‌نامه‌های لغت عربی چهار کاربرد برای واژه مقاومت آورده شده که مشتمل بر «مبارزه، ایستادگی، توانمندی و چانه‌زنی» است؛ اما معنی رایج واژه مقاومت «ایستادگی و مقاومت» در برابر چیزی است که توازن و تعادل را بر هم زده است خواه درونی باشد یا بیرونی که مقاومت در تهاجم، تجاوز و اشغال مصادیق بیرونی آن هستند. البته از مقاومت تعاریف بیشتری شده است که به همین مقدار بسنده می‌شود.

اما معنای مقاومت در انقلاب اسلامی عبارت است از پایداری در برابر اراده متعارض و متهاجم به انقلاب اسلامی و آموزه‌های انسان‌ساز دینی که از دستاوردهای بنیادی انقلاب است. «محور مقاومت» هم ماهیت ایدئولوژیک دارد و هم ناشی از شرایط ژئواستراتژیک است. آن‌گونه که واقعیت‌های موجود در ارتباط با این محور و تاریخ ظهور و روند تحولات آن نشان می‌دهد، این محور در اصل و اساس، ماهیتی دوگانه دارد؛ یعنی ترکیبی از ضرورت‌های ژئواستراتژیک و تعهدات ایدئولوژیک است؛ زیرا این محور مبتنی بر گزاره مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل، دفع تجاوزات آن و در نهایت بیرون راندن آن از سرزمین‌های اشغالی شکل گرفته است (Colucci, 2018). در طول تاریخ نقش مقاومت ملت‌ها در برابر ظلم و ستم هیچ‌گاه بی‌اثر نبوده و منبع قدرت و رمز پیروزی بوده است. گزینه‌ای از فرمایش رهبری بر این نکته تأکید دارد که «هر جا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان دهند، پیروزی قطعی است؛ همه جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد این است که یا ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند یا رهبرانی که بتوانند آنها را درست اداره کنند، ندارند» (Khamenei.ir).

اصطلاح مقاومت اسلامی که به صورت گسترده در ادبیات روابط بین‌الملل و منطقه ناظر بر یک جبهه مقتدر و آینده‌ساز است، اکنون در جهان اسلام مقابل سیاست‌ها و راهبردهای جبهه استکباری قرار دارد. سیاست‌های توسعه‌طلبانه غرب از دیرباز منشأ تنش و ناآرامی‌ها در این منطقه سوق‌الجیشی بوده است. در این شرایط ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان، به عنوان کنشگران اصلی شکل‌دهنده جبهه مقاومت اسلامی در منطقه، پیش‌ران مهم بازدارندگی تلقی می‌شوند. در خصوص نحوه و چگونگی حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت اسلامی ادبیات زیادی تولید و گمانه‌زنی‌های زیادی درباره آن مطرح شده است. ایران برای مدت‌ها با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، لجستیکی و

اطلاعاتی - امنیتی حامی و پشتیبان اصلی محور مقاومت اسلامی بوده است. مسئله مهم و حائز اهمیت چرایی حمایت ایران از این جبهه اسلامی است. پردازش و واکاوی چرایی رفتار کنشگران در منطقه در حقیقت بنیان و اساس شکل‌گیری سیاست خارجی و رفتار سیاسی آنها را نشان می‌دهد. پایه چرایی و دلایل پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت اسلامی یک مسئله امنیتی و تلاش برای خنثی‌سازی تهدید متصور از ناحیه رقبای منطقه‌ای و دشمنان فرامنطقه‌ای است. این کشورهای فرامنطقه‌ای قصد دارند کنشگران منطقه‌ای ناهمسو را به تسلیم و دنباله‌روی وادارند. محور مقاومت بر این اعتقاد است که تنها راه کسب امنیت برای موجودیت و گستره سرزمینی خود ایستادگی و تسلیم نشدن در برابر قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. گفتمان انقلاب اسلامی و سیاست‌های اعلامی رهبری انقلاب اسلامی و تصمیم‌گیران و عاملان اجرایی سیاست‌های امنیتی و نظامی ایران بر این عقیده تأکید دارد که حفظ و نهادینه کردن امنیت سرزمینی تابعی از یک جبهه شبکه‌ای شده و متحد با عنوان محور مقاومت اسلامی است. آنها چنین سازکاری را یک اهرم قدرتمند در برابر خنثی‌سازی سیاست‌های جبهه باطل یا استکباری می‌دانند. فقدان یک اهرم بازدارنده و ساختار غیرمتقارن به نام محور مقاومت اسلامی بدون شک آمریکا، اسرائیل و غرب را در موضع قدرت بیشتری قرار خواهد داد. البته جبهه استکبار و رژیم صهیونیستی تنها عنصر تهدید علیه ایران و کشورهای اسلامی تلقی نمی‌شوند، بلکه در دو دهه اخیر تروریسم و گروه‌های افراط‌گرا یکی دیگر از ابعاد تهدیدکننده به شمار می‌روند. تجربه بحران‌های اخیر سوریه و عراق و خنثی‌سازی تهدید گروه‌های تروریستی توسط محور مقاومت اسلامی اهمیت حمایت ایران از این محور را برجسته‌تر می‌کند. نبود یک محور مقاومت، سرعت و جرأت پیشروی دشمنان اسلام مانند عناصر تکفیری به سمت خاک ایران را بیشتر می‌کند و خسارت‌های زیادی به بار می‌آورد. حمایت ایران از مقاومت می‌تواند منشأ تأمین امنیت برای بسیاری کشورهای اسلامی باشد. هر گونه کسب امنیت در مقابله با سیاست‌های توسعه‌طلبانه جبهه استکبار، خنثی‌سازی تهدیدها و توطئه‌های اسرائیل و گروه‌های تروریستی، غارت منابع سرزمینی و سرمایه انسانی و تحقیر ملت‌ها، انگیزه‌های مهمی در حمایت ایران از جبهه مقاومت اسلامی است. مسلم است که در آینده ایران به عنوان یک پیش‌ران حمایتی فعال در محور مقاومت دیده خواهد شد. از هم اکنون وقوع رقابت‌های پیچیده و گسترده با دشمن را می‌توان پیش‌بینی کرد. ایران برخی عدم قطعیت‌های بحرانی منطقه‌ای و جهانی را پیش رو دارد که برای مواجهه با آنها باید کنش‌گرایانه مهیا باشد از جمله آنها تغییرات احتمالی بنیادی در ساختار نظام‌های سیاسی برخی کشورهای قدرتمند

منطقه‌ای مانند عربستان، کاهش قدرت حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه، افزایش مطالبات و انتظارات سایر ملت‌های حامی ایران در حمایت‌های بیشتر و مشارکت در بازسازی ساختار سیاسی و روند اصلاحات در نظام منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و در نهایت تهدیدهای چند ساحتی برای ایران در لایه‌های آشکار و پنهانی است که بسیاری از آنها قابل شناسایی است و باید بر این امر اهتمام ویژه شود. از طرفی علایم هشداردهنده نشان می‌دهد که آینده منطقه و حتی جهان در شرف تغییرات بنیادین است.

### منابع قدرت و پیش‌ران‌ها در عرصه مقاومت

در ادبیات انقلاب اسلامی، هر کشور، سازمان، گروه یا فردی که مطابق آموزه‌های دین و همسو با انقلاب اسلامی ایران در برابر تجاوزات و ستمگری‌های نظام سلطه و متحدان آن به ویژه رژیم صهیونیستی مقابله کند، در محور مقاومت اسلامی قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت در فلسطین، انصارالله در یمن، مردم عراق، سوریه و بحرین از شناخته‌شده‌ترین مصادیق محور مقاومت اسلامی در منطقه هستند.

گام نخست در تجزیه و تحلیل موقعیت محور مقاومت بررسی منابع قدرت و پیش‌ران‌های فعال در این محور است. قدرت مثل بسیاری از انگاره‌های بنیانی، مفهومی جدل‌انگیز است و تا کنون صاحب‌نظران به یک اجماع مفهومی دست نیافته‌اند. برای مثال ماکس وبر قدرت را داشتن امکان خاص موقعیتی برای یک پیش‌ران در روابط اجتماعی می‌داند و هارولد لاسول قدرت را به معنی مشارکت در تصمیم‌گیری در روابط با دیگران تعریف می‌کند و مک‌آیور قدرت را توانایی تمرکز، تنظیم یا هدایت رفتار اشخاص یا کارها می‌داند (عالم، ۱۳۹۴: ۸۸). اختلاف در معانی قدرت یعنی تفاوت در منابع آن و اینکه قدرت مسئله‌ای فراتر از کنترل دیگران یا تحمیل اراده خود به دیگران است و باید غیر از دیگران آنچه را به خود نیز مربوط می‌شود، در نظر گرفت. در این پژوهش به تعریف زیر از قدرت بسنده می‌شود: «قدرت عبارت است از توانایی تحمیل اراده خود بر دیگری و واداشتن او به اطاعت و انجام خواسته‌های خود و نیز توانایی حل مسائل.» با این تعریف، سؤال این است که «منابع قدرت و پیش‌ران‌های فعال در عرصه محور مقاومت چیست؟»

در پاسخ به این سؤال باید به دو نکته توجه کرد: نخست باید به دنبال ارائه یک مدل سنجش قدرت بود که علاوه بر متغیرهای کمی (پشتوانه قدرت دولت‌ها) به ابعاد کیفی قدرت از جمله توان حل مسائل و چگونگی تأثیرگذاری بر تحولات توجه شود. دولت‌ها با مسائل متعددی روبه‌رو هستند. اگر دولتی قدرت حل این مسائل را داشته باشد، مسئله تولید

فرصت می‌کند و به پیشرفت قدرت می‌انجامد؛ اما در صورتی که دولت ناتوان از حل مسائل باشد به تهدید تبدیل می‌شود؛ یعنی ناتوانی حل مسئله‌ها منجر به کاهش قدرت دولت‌ها خواهد شد. این اصل راهبردی در تعریف از مفهوم قدرت مورد توجه قرار گرفت.

دوم، دولتی که خواهان نقش مؤثر در تحولات بین‌المللی است، اگر نتواند مسائل داخلی را حل کند، ممکن است به دلیل گسترش نارضایتی‌های داخلی، در حل مسائل بیرونی ناتوان باشد و حتی از درون به هم بریزد. چنین دولتی حتی اگر قادر باشد مسائل بیرونی خود را حل کند، به دلیل تهدیدهای داخلی، قدرت بین‌المللی ناپایداری خواهد داشت. پس همان‌طور که در تعریف اشاره شد، در اندازه‌گیری قدرت باید نگرشی فرا کمی داشت و اتکای صرف به آمار و ارقام بدون توجه به کیفی‌نگری کاربرد قدرت و چگونگی استفاده از آن، سردرگمی در سنجش ایجاد خواهد کرد. مشارکت فعال در تحولات منطقه‌ای باید همراه با مشروعیت ملی و اقتدار منطقه‌ای باشد تا معادله راهبردی به نفع کشورها حاصل شود. در چارچوب مطلب فوق و پیاده‌سازی آن بر موقعیت قدرتی ایران باید اشاره کرد نظام سیاسی ایران از مشروعیت داخلی قابل قبولی برخوردار است و از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از ارتش‌های قدرتمند منطقه از نظر اقتصادی است و به دلیل موقعیت جغرافیایی خود دارای ذخایر عمده نفت و گاز طبیعی است. از نظر فرهنگی- مذهبی دارای ابزارهای مؤثری برای تأثیرگذاری بر معادلات قدرت در منطقه است. بنابراین ایران در بهره‌برداری از منابع قدرت شرایط مناسبی دارد. به همین دلیل رژیم‌هایی مانند عربستان و اسرائیل نگران هستند که ایران بر چهار پایتخت منطقه یعنی بیروت، دمشق، بغداد و صنعا تسلط دارد. از این رو معادله راهبردی آمریکا، عربستان و اسرائیل برای خنثی‌سازی قدرت ایران شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی با توجه به پیچیدگی موضوعات مربوط به امنیت، تعدد بازیگران مداخله‌گر و کثرت بحران‌ها و روندهای جاری، لازم است ایران به منابع قدرت خود توجه و موقعیت ساختار قدرتی خود را بازمهندسی کند؛ به خصوص که در رقابت با ایران، بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان، مصر، ترکیه و حتی کشورهای کوچکی مثل قطر و... مدعیان قدرت منطقه‌ای هستند. مدل قدرت انقلاب اسلامی با عنوان «جبهه مقاومت» هم‌زمان با بیداری اسلامی، راه سنگین و سختی را آغاز کرده است، اما این محور دارای منابع و پیش‌ران‌های کلیدی است. برخی از منابع قدرت مقاومت عبارت‌اند از:

- فرهنگ دفاع مقدس و تجربه‌های آن

- اتحاد و ائتلاف رهبران با ملت‌های حامی مقاومت

- مرجعیت و نخبگان محور مقاومت



- دیدگاه سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و مداخلات این کشور در منطقه
  - دیدگاه سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به رژیم صهیونیستی
  - استحکام شبکه نظامی قدرتمند محور مقاومت
  - شکاف در سیاست‌های منطقه‌ای محور ضد مقاومت
  - شکاف در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا با چین و روسیه
- در کنار این منابع قدرت، پیش‌ران‌ها و بازیگران اثرگذاری در صحنه مقاومت وجود دارند که به برخی از پیش‌ران‌های فعال آنها در عرصه مقاومت اشاره می‌شود.
- اسلام (دال مرکزی قدرت)، مهدویت (قدرت آینده‌نگری مطلوب)، معنویت (ماهیت‌شناسی قدرت)، ولایت‌گرایی (تحول‌گرایی قدرت)، مردم‌سالاری دینی (ساختارگرایی قدرت)، گفتمان‌محوری (روندشناسی قدرت)، عدالت‌گرایی (علت‌شناسی قدرت)، مشارکت‌گرایی (ظرفیت‌شناسی قدرت)، تعامل‌گرایی (رویکردشناسی قدرت)، وحدت‌گرایی (انسجام ملی) (راهبردشناسی قدرت) بصیرت‌گرایی (زمان‌شناسی قدرت)، چشم‌اندازگرایی (تصورپردازی قدرت)، ظلم‌ستیزی (واستکبارستیزی) (غیرشناسی قدرت).
- نتایج حاصل از حضور فعال این پیش‌ران‌ها برای محور مقاومت فرصتی ایجاد می‌کند تا با هوشمندی، تدبیر و اتکا بر قدرت اراده سرمایه‌های انسانی راه روشنی به سوی آینده بیابد. در این راه باید ظرفیت‌های لازم برای برنامه‌ریزی در سطوح کلان و اجرایی شکل بگیرد و امکان هماهنگی اطلاعات و سیاست‌ها در اقصی نقاط جهان، به خصوص جهان اسلام فراهم شود. با در اختیار داشتن این ظرفیت‌ها امکان اقدامات راهبردی زیر فراهم می‌شود:
۱. شناسایی و محاسبه حداکثری منابع قدرت ملی اعم از مؤلفه‌های قدرت نرم و قدرت سخت (انطباق با واقعیت درونی)؛
  ۲. پشتیبانی از راهبردها و سیاست‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ملی (انسجام عمودی)؛
  ۳. شناسایی واقعیت‌های نظام منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و اجتناب از تهدیدها، شناسایی عدم قطعیت‌ها (برنامه‌ریزی بر پایه سناریو)؛
  ۴. هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی (انسجام عرضی).

### منافع مشترک در محور مقاومت

اگرچه جوامع از ویژگی‌های زبانی، نژادی و هویتی تأثیر می‌پذیرند، اما به گواه تاریخ، وجود منافع مشترک پایه اصلی همبستگی‌ها و جهت‌گیری‌های بازیگران و پشتوانه ائتلاف‌ها بوده

است. این شرایط در خصوص محور مقاومت اسلامی یک راهبرد منطقه‌ای و یک چشم‌انداز جهانی است. محور مقاومت اسلامی هر چند در یک جبهه منطقه‌ای فعال است، اما تصویری از یک نظام ائتلاف جهانی است و ائتلاف شعاری راهبردی و راهی برای جهانی شدن مقاومت است. اشتراک در منافع پشتوانه عظیم در شکل‌گیری ائتلاف بوده و احصای این موارد ذیل حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بر نکات زیر تأکید دارد:

- در ائتلاف کشورها و تجمیع ظرفیت‌ها در محور مقاومت با دستور کار مشترک، قدرت چانه‌زنی در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش می‌یابد.

- در حوزه نظامی و امنیتی، دفاع یکجانبه برای هر کشور به تنهایی هزینه‌های زیادی در پی خواهد داشت و احتمال کسب نتیجه مطلوب کاهش می‌یابد، اما ائتلاف در دفاع جمعی و هماهنگ و مقابله با عناصر تهدیدآمیز از جمله آمریکا، رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی شرایط را به نحو مناسب‌تری تغییر می‌دهد و احتمال شکست به میزان زیادی کاهش می‌یابد.

- به لحاظ اقتصادی، محور مقاومت اسلامی در معرض تحریم‌های طولانی‌مدت قرار دارد و این روند تا زمانی که وضعیت چالش و تهدید آنها به فرصت تبدیل نشود، ادامه خواهد داشت. این کشورها تنها با تأکید بر منافع مشترک و همکاری اقتصادی با همدیگر و تشکیل بازارچه‌های مرزی مشترک و کالاهای صادراتی ساخت خود به سایر شرکا، قادر خواهند شد اثرگذاری تحریم را تا حد زیادی کاهش دهند.

- سیاست‌های اقتصادی محور مقاومت اسلامی هرچند تا کنون به صورت کامل هماهنگ و همسو نشده است، اما در صورت تسریع در این روند قادر خواهند بود یک «کلپ اقتصادی - اسلامی» تشکیل دهند. ماهیت این کلپ می‌تواند مبتنی بر صادرات و واردات متقابل درون‌محوری در جبهه مقاومت اسلامی باشد.

- کشورهای محور مقاومت اسلامی از منافع مشترک انرژی برخوردارند و پهنه جغرافیایی وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند که حجم زیادی از انرژی دنیا را در خود جای داده است. هماهنگ‌سازی و همسو کردن سیاست‌های انرژی، این کشورها را قادر خواهد ساخت قدرت چانه‌زنی زیادی در تعیین قیمت جهانی نفت و معادلات عرضه و تقاضا کسب کنند.

- از نگاه فرهنگی گرچه محور مقاومت اسلامی متشکل از کشورهای با نژاد عرب و ایرانی و با زبان‌ها و لهجه‌های مختلف است، اما از یک جغرافیای اسلامی با ماهیت تمدنی و اشتراک آیینی برخوردار است. منافع فرهنگی مشترک استحکام‌بخش بعد مهمی از دفاع مشروع است و دفاع از هویت و تمدن اسلامی، و محافظت از اماکن مقدس و فرهنگ دینی



[امکان‌پذیر است]. پس ملت‌های مسلمان در مسیر جریان مقاومت باید به اتحاد فرهنگی به عنوان مرکز ثقل پایداری و ایستادگی توجه کنند؛ همان‌گونه که رهبری نیز بر این مهم تأکید دارند: «مقاومت وقتی گفته می‌شود، فوراً ذهن می‌رود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خوب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاک‌ریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت.»

### نقش نخبگان مقاومت منطقه‌ای

ساختار درونی محور مقاومت اسلامی نیازمند کارگزاران و رهبران دغدغه‌مند، کوشا، مسئولیت‌پذیر و متفکر است. ایده‌پردازی دقیق و به موقع، محور یابی، رمزگشایی از تهدیدهای حال و آتی، عملگرایی و راهبردپردازی در عرصه میدانی توسط فرماندهان مشرف بر مسائل منطقه‌ای حائز اهمیت است. برای اطمینان به تحقق این اهداف لازم است نخبگان جهان اسلام با تفکر، تعمق و بینش ژرف خود به لایه‌های عمیق رویدادها وارد شوند. همچنین با عبرت‌آموزی از درس‌هایی برای آینده، راهکارهایی برای عوامل میدانی جبهه مقاومت اسلامی پیشنهاد کنند. تأثیرگذاری نخبگان جهان اسلام هنگامی به نحو ملموس‌تر و اثرگذارتر اجرا می‌شود که یک شبکه نخبگانی در حوزه محور مقاومت اسلامی شکل بگیرد. نقش نخبگان جهان اسلام هنگامی بهتر درک می‌شود که افرادی دغدغه‌مند تأثیرات خوب و پایداری از خود بر جای بگذارند تا اسوه‌هایی از مقاومت و منطق پایداری و ایستادگی باشند؛ زیرا کنشگری در منطقه استراتژیک جهان اسلام از قاعده آزمون و خطا پیروی نمی‌کند و باید ایده‌هایی را مطرح سازند که درصد خطای آنها بسیار اندک باشد.

مرجعیت نیز با شأنیت خویش و نقش مؤثری که در افکار عمومی دارند، از دیرباز با اعلام مواضع محکم و نیز دیدگاه‌های هدفمند اقدام به دعوت همگانی در دوران آشفتگی‌های سیاسی و بحران‌های امنیتی کردند. اتخاذ چنین موضعی قطعاً می‌تواند موجب بحران‌زدایی و امنیت‌افزایی و افزایش اقتدار محور مقاومت شود. برای مثال در بحران جدیدی که نشئت‌گرفته از تروریسم تکفیری در منطقه بود، موضع‌گیری‌های رهبری و آیت‌الله سیستانی و نهاد مرجعیت در ایران و عراق تا حد زیادی خطر این پدیده خطرناک را کاهش داد. شکست دشمن در شرایطی میسر شد که برنامه‌ریزی شکاف در شبکه تصمیم‌گیری مرجعیت و نخبگان جهان اسلام از سوی آنها شکست خورد. بنابراین قاعده‌مند بودن نقش نخبگان و مرجعیت به منزله راهبرد پیش‌دستانه به قدرت عملیاتی محور مقاومت کمک خواهد کرد.

## چالش‌های پیش روی محور مقاومت

اغلب کشورهای منطقه مشروعیت سیاسی ندارند. فقدان مشروعیت دولتمردان نزد ملت‌ها، ناباوری به قدرت الهی و نیز بدبینی به همسایگان باعث شده است برای حفظ و بقای رژیم سیاسی خود به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. به فرازی از سخنان رهبری اشاره می‌شود: «واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف می‌کنند، همه در سایه اعتماد به وعده الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است» (بیانات رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹).

بیماری مزمن وابستگی سیاسی باعث ایجاد پیمان‌های دو یا چندجانبه شده است که با خود تعهداتی همراه دارد. این تعهدات به گونه‌ای است که استقلال در تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را از این کشورها سلب می‌کند. در ارتباط با مسائل مختلف جهانی، کشورهای مذکور خط‌مشی‌های سیاسی مختلفی پیش گرفته‌اند و بر سر مسائل سیاسی مشترک، از جمله وحدت جهان اسلام به توافق نمی‌رسند. برای مثال موضع‌گیری‌های متفاوت و گاهی متضاد کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و ایران در ارتباط با بحران‌هایی مانند اشغال عراق، افغانستان، حمله به غزه، لبنان، بحران سوریه، داعش و... منتهی به نتایج مؤثری نشده است. وجود پیمان‌های دو و چندجانبه بین کشورهای ساحلی خلیج فارس با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه ایالات متحده که تعهداتی همراه داشته‌مانند مانع وفاق کشورهای منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس برای ایجاد یک پیمان همکاری یا تشکیل یک اتحادیه اقتصادی یا سیاسی-امنیتی شده است.

در بعد اقتصادی نیز چالش‌های ناشی از وابستگی به کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان مانعی سر راه همکاری‌های گسترده بین کشورهای اسلامی شده است. ساختار تولیدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک مجموعه اقتصادی به گونه‌ای است که کشاورزی ۱۸/۲ درصد، صنایع ۳۶/۵ درصد (بیشتر با تأکید بر صنایع استخراج و تولید نفت) و خدمات ۴۵/۳ درصد از کل تولید ناخالص آنها را تشکیل می‌دهد. براساس این نسبت‌ها، ساختار تولید کشورهای اسلامی به ساختار تولید کشورهای با درآمد پایین و متوسط جهان شباهت دارد (شاه‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۳۷). برخی کشورهای منطقه نیازمند امکانات، تولیدات و تکنولوژی برتر کشورهای غربی و سایر قدرت‌های برتر هستند. این وابستگی اقتصادی که گاه ناشی از سابقه مستعمراتی این کشورها و وجود پیوندهای سنتی تجاری با کشورهای صنعتی یا توسعه‌نیافتگی است، تعهدات و محدودیت‌هایی را بر این کشورها تحمیل می‌کند و مانع از توسعه همکاری گسترده اقتصادی، سیاسی و... بین

کشورهای جهان اسلام می‌شود. در مجموع وابستگی‌های متنوع قدرت‌های جهان اسلام به قدرت‌های جهانی در گذشته و حال، زمینه را برای مداخله و توسعه شکاف‌ها و جدایی‌ها و تجزیه جهان اسلام فراهم می‌کند و به بی‌ثباتی، کشمکش، رقابت و گسترش اتکا به دولت‌های غیراسلامی دامن می‌زند.

آینده در شرف توسعه هر چه بیشتر محور مقاومت و گسترش آن در مناطقی با قربات‌های سرزمینی، فرهنگی و مفهومی کمتر با انقلاب اسلامی پیش‌بینی می‌شود. محور مقاومت برای برون‌رفت از چالش‌های ناشی از تعاملات خود با این جوامع باید جامعه‌شناسی مناسبی از وضع حال آنها داشته باشد و به مسائلی مانند نوع برداشت آنها از محیط، منطقه، دشمن، مبارزه و جبهه مقاومت شناخت پیدا کند. در شرایط کنونی حتی در ایران نیز در خصوص مقاومت انسجام معنایی و اندیشه‌ای وجود ندارد که عامل بروز چالش‌هایی شده است. انعکاس عدم انسجام معنایی در منطقه جریان مدل‌سازی محور مقاومت را با چالش مواجه می‌کند. انقلاب اسلامی ایران مقاومت را در چارچوب امامت و ولایت و بر اساس منطق فقهی-کلامی خاص شیعی تفسیر می‌کند و به آن اعتقاد دارد. آیا سایر کشورهای حامی مقاومت، که به تعبیر امام خمینی، از نقاط کلیدی در جغرافیای منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند و در آینده باید با آنها تعامل کرد و تأثیر گذاشت، هم بر همین منطق استوارند؟ از جمله این نقاط کلیدی خلیج بنگال، خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان، تنگه باب المندب، دریای سرخ، خلیج عقبه، کانال سوئز، دریای مدیترانه و جبل الطارق است. بنابراین باید منطق مقاومت را با ذهن و حافظه ملت‌ها آشنا کرد تا تعارض و شکاف گفتمانی ایجاد نشود. توجه به شرایط و اقتضائات محیطی در کنار حمایت از کانون‌های معنایی امکان نفوذ در دل‌ها را فراهم می‌کند و به جذب ملت‌ها منتهی می‌شود و مرکز ثقل هدایت انگیزه‌های مقاومت خواهد بود.

جریان مقاومت به دلیل اصالت داشتن وجوه متفاوتی را پوشش می‌دهد که تا کنون در صحنه‌های مختلف به ظهور رسیده است مانند مقاومت در جنگ با داعش یا جنوب لبنان علیه اسرائیل یا «مقاومت سیاسی» در عرصه رقابت در مناسبات قدرت بین‌المللی و توزیع آن. اما یکی از جلوه‌های مهم مقاومت، توجه به بعد سخت یا نرم‌افزارانه تصاویر جدید از روش‌های نوین در جنگ‌هاست. در چنین شرایطی جنگ سخت ماهیت متفاوتی خواهد داشت و بیشتر متأثر از جنگ نرم است؛ پس باید امکانات مقاومت در صحنه نبرد جنگ نرم را فراهم کرد و از پیش‌ران‌های فعال در فرماندهی و نیروهای عملیاتی و نیز تدارکات تسلیحاتی و نظامی در جنگ نرم بهره برد. مقاومت چون از یک نظام معنایی و ارزشی

برخوردار است، حتماً باید به صیانتی نرم‌افزاری برای حفظ سرمایه‌هایش پردازد که در آحاد مردم، محیط و فرماندهان و کارگزاران دیگر دیده می‌شود. محیط آینده مقاومت مقارن با جنگ‌های پیچیده و نرم‌افزارانه‌تری است و باید برای چنین محیطی آماده شد. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در قالب جنگ رسانه‌ای غرب علیه محور مقاومت یا جنگ روانی در سقوط هواپیمای اوکراینی با هدف انحراف افکار عمومی جهان از ترور سردار سلیمانی و ... مشاهده کرد. مقاومت چون برای خود یک نظام معنایی و ارزشی تعریف می‌کند، در مرحله اول باید به صیانت‌سازی و ایمن‌پردازی نرم‌افزاری از خود، محیط و سرمایه‌هایش اهتمام ورزد. سرمایه‌های مقاومت تنها کادرها و اعضایش نیستند بلکه توده مردم، رسانه‌ها، افکار عمومی و گروه‌های مرجع از منابع اصلی سرمایه‌ای به شمار می‌روند.

### فرصتی برای تأمین منافع همه کشورها

#### 1. در حوزه تأمین امنیت ملی

سرنوشت همه کشورهایی که مقاومت منطقه‌ای را کنار گذاشتند، بروز بسیاری از مداخلات قدرت‌های بزرگ و سقوط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها بوده است. برای مثال به تجربه بیداری اسلامی در برخی کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ اشاره خواهد شد. قیام‌های مردمی در این کشورها موجب سقوط حکومت‌های دست‌نشانده شد و توجه را به سوی آینده‌ای روشن و هموار هدایت کرد؛ اما به مرور با مداخله دست‌نشانده‌گان قدرت‌های بزرگ در این کشورها (مصر، بحرین و لیبی) و عوامل بازدارنده، با ایجاد تنش و برپایی جنگ داخلی، سرکوب شد. با این حال می‌توان سوریه را نمونه موفق مقاومت ملی و منطقه‌ای به شمار آورد که در معرض نفوذ قدرت‌های بزرگ و فتنه‌پراکنی‌ها و تهدیدهای بسیار قرار گرفت. سوریه به علت شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای، همسویی با محور مقاومت و بهره‌گیری از قدرت ایران توانست به مرور شرایط را به نفع منافع ملی خود تغییر دهد تا جایی که وارد مراحل بازپس‌گیری مناطق تحت نفوذ اشغالگران شد.

تغییر و تحولات حاکم در ونزوئلا نمونه موفق دیگر است. هوگو چاوز پس از روی کار آمدن در سال ۱۳۷۷ در ونزوئلا، با بهره‌گیری از سیاست سوسیال دموکراتیک و مقاومت در برابر سیاست‌های لیبرالیستی و سلطه‌ورزانه آمریکا و متحدان غربی آن، تلاش کرد صنایع نفت این کشور را ملی کند. چاوز در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد که ونزوئلا باید از عضویت در بانک جهانی خارج شود. چاوز برای تقویت همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌گرایی به خریداران نفت ونزوئلا از کشورهای آمریکای جنوبی و آمریکای لاتین اعلام کرد که



می‌توانند ۴۰ درصد از قیمت نفت خریداری‌شده خود را به مدت ۲۵ سال به تأخیر بیندازند و با سود ۱ درصد بازپس دهند. ونزوئلا ارتباط تنگاتنگی را با کوبا برقرار کرد و در این راستا با اقبال افزایش قیمت نفت و گاز و همچنین اتخاذ دیپلماسی نفتی چاوز توانست به رشد ۱۸ درصدی در سال ۲۰۰۴ دست پیدا کند. در دوره چاوز، حضور ونزوئلا در اوپک پررنگ‌تر شد. چاوز با سخنرانی‌هایش توانست خود را به عنوان چهره‌ای محبوب در این منطقه معرفی کند. چاوز به خوبی آگاه بود که با استفاده از روش‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نخواهد توانست استقلال سیاسی کشور را رقم بزند، زیرا ثروت عظیم نفتی این کشور نگاه طماع امپریالیسم را به خود جلب کرده بود. بنابراین چاوز هدف از اقداماتش در دفاع از استقلال، حاکمیت و عظمت کشورش و منطقه اعلام کرد. چاوز در چارچوب دفاع از حاکمیت و عظمت به ایده «انقلاب بولیواری» روی آورد تا توان بالقوه آمریکای لاتین را برای تحقق آرزوی سیمون بولیوار در زمینه یکپارچگی اقتصادی، سیاسی و عظمت آمریکای لاتین و کاهش سلطه آمریکا در منطقه و تغییر نقشه نیمکره غربی توسعه دهد (جی مانوارینگ، ۱۳۸۵: ۷۲). موفقیت‌های ونزوئلا در حوزه منطقه‌گرایی و نفوذ در منطقه آمریکای جنوبی و آمریکای لاتین و همچنین سیاست‌های استقلال‌خواهانه و حرکت به سمت خودباوری ملی و منطقه‌ای، دستاوردهای ارزشمندی برای این کشور داشت. اما به مرور زمان به علت دست‌اندازی‌های ایالات متحده در امور این کشور، و با مرگ چاوز، هم‌اکنون شاهد فروپاشی اقتصادی و همچنین بروز کودتا در ونزوئلا با هدایت رهبر پارلمان این کشور، خوان گوایدو، با حمایت ایالات متحده هستیم.

با توجه به نمونه‌های یادشده، می‌توان اذعان داشت تأمین امنیت ملی به عنوان یک پیش‌ران مهم با قابلیت‌های بالا در تغییرات محیطی محسوب می‌شود. سیاست خارجی امنیت‌محور نیز محصول طبیعی مداخله بیگانگان و بین‌المللی شدن امنیت است. از آنجا که توسعه با هر روایت و قرآنتی از مسیر امنیت می‌گذرد، طبعاً دستگاه دیپلماسی کشور بدون پشتوانه قدرتی مقاومت، توان مذاکراتی و دیپلماتیک زیادی در تعامل با طرفین غربی و شرقی نخواهد داشت. به عبارت دقیق‌تر، جنگ و توسل به زور را نه لزوماً با دیپلماسی و مذاکره که با «حضور مردم» و نقش منطقه‌ای و البته تقویت توان بازدارندگی دفاعی می‌توان دور کرد. این مهم در منطقه جز با کاربست سیاست «دفاع رو به جلو» و تقویت «محور مقاومت» با هدف توسعه «عمق راهبردی (استراتژیک)» انقلاب اسلامی غیرممکن به نظر می‌رسد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۱).

در این شرایط شبکه‌های تهدیدی از کشورها و سازمان‌ها مانند داعش، القاعده، جبهه

النصره و ... وجود دارند که از سوی دشمنان تولید شده‌اند. هریک از این سازمان‌ها به حکومت‌های منطقه مانند امارات، عربستان، قطر و ... وصل هستند و در رأس آنها فرماندهی دشمن آنها را رهبری می‌کند. در چنین فضای امنیتی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران توانست در رأس محور مقاومت، به‌رغم فضای متشنج، زمینه‌ساز تأمین امنیت، مجری اقدامات بازدارنده و حافظ تمامیت ارضی و امنیتی شود. ایران شبکه‌ای از روابط قدرت در منطقه به وجود آورد که تا کنون در بازدارندگی دشمن، عملکرد مطلوبی داشته است. از مقاومت حزب الله تا فلسطینی‌ها، حوثی‌ها، فاطمیون، زینیون، حیدریون و ... همه در جغرافیای منطقه‌ای متحد و مرتبط با هم عمل می‌کنند که برآیند آن بسیج محور مقاومت است که از فرماندهی مقتدری برخوردارند. سؤال این است که در شرایط کنونی که مقاومت با فرصت‌های بسیاری مواجه است و ایران در جذب فرصت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، موقعیت و نقش پیش‌ران تأمین امنیت چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱. به گواهی تاریخ، هرگاه ایران امنیت ملی خود را داخل مرزهای سیاسی و رسمی خود تعریف کرد، بارها استقلال و حاکمیت ملی‌اش نقض شد و تمامیت ارضی‌اش مورد تهدید و مخاطره قرار گرفت. ایران به دلیل موقعیت ویژه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خود نمی‌تواند بدون حضور مستقل و مقتدرانه منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای با تهدیدهای خارجی مقابله کند؛ چنان‌که بی‌طرفی رسمی ایران در هر دو جنگ جهانی اول و دوم از سوی قدرت‌های بزرگ نقض و کشور اشغال نظامی شد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۶).

۲. وقوع موج بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا موجب تغییر موازنه قوا در منطقه شد و حضور نظامی قدرت‌های بزرگ را تا حدی کاهش داد. این رویداد به اهمیت نقش جنبش اسلامی با محوریت مقاومت در ایجاد موازنه قوا و امنیت در منطقه و همچنین میل به تعاملات سازنده بین دولت‌ها و ملت‌ها در مقابله با عوامل خارجی که با شعار «چماق و هویج و تفرقه بینداز و حکومت کن» خواهان تفرقه و ناامنی در منطقه هستند، بستگی دارد. بنابراین باید برای تأمین امنیت بر نقش اراده ملت‌ها در سیاست‌گذاری منطقه‌ای توجه کرد.

۳. اتخاذ رویکرد امنیت مشارکتی در شکل‌دهی به ترتیبات جدید امنیت منطقه‌ای با اتکا بر مشارکت بازیگران فعال و حذف نفوذ قدرت‌های بزرگ؛ در الگوی امنیت مشارکتی، تمرکز بر این است که همه کشورهای منطقه می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرش تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خود تأمین کنند. در این الگو، تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه برعکس از راه ناتوانی‌گزینش‌هایی که

هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید. در رویکرد امنیتی مبتنی بر مشارکت و همکاری، امنیت به طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد کشورهای مشروع منطقه را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدها علیه همه بازیگران را به طور مساوی در نظر می‌گیرد و از همه شرکا خواستار امنیت متقابل است. این رویکرد برای تسهیل پیوند بین طیفی وسیع از مسائل سیاسی-اقتصادی و اجتماعی طراحی شده و درصدد ایجاد اعتماد بین دولت‌های منطقه‌ای از طریق بحث، مذاکره، همکاری و توافق است. این رویکرد به شنیده شدن صداهای غیردولتی نیز توجه دارد و علاوه بر تأکید بر توسعه، گفت‌وگو و همکاری میان دولت‌های منطقه‌ای، گفت‌وگوهای امنیتی غیررسمی میان عناصر غیردولتی مانند نخبگان و دانشگاهیان را نیز مد نظر قرار می‌دهد. از این رو، رویکرد مذاکره برای تشویق امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت علاوه بر بازیگران ملی به بازیگران و صداهای فروملی نیز در یک سطح پایین‌تر و مکمل، توجه دارد (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

۴. از سوی دیگر محور مقاومت بر این اعتقاد است که مجاورت سرزمینی برای موجودیت یک مجموعه امنیتی ملاک ارزشمندی است. با توجه به اینکه تهدیدها در فاصله‌های نزدیک امکان بروز بیشتری دارند و کشورها از تهدیدهای امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش در دولت‌های همسایه را زیر نظر دارند. بر این اساس، محور مقاومت بر این متکی است که مجموعه امنیتی باید متشکل از گروه‌ها و دولت‌هایی باشد که در مجاورت یکدیگر قرار دارند. نتیجه و دستاورد این کار این است که در مرحله اول می‌توان از حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در کشورهای همسایه جلوگیری کرد و در مرحله بعد، هیچ نگرانی از حضور نظامی مستقیم دولت همسایه تجاوز به مرزهای سرزمینی وجود ندارد. این مسئله به خصوص در مورد عراق برای ایران حائز اهمیت است، زیرا شکست شیعیان این کشور مساوی با گسترش نفوذ و حضور آمریکا و داعش در نزدیکی مرزهای ایران بود (آدمی و کشاورز، ۱۳۹۴: ۴-۶).

۵. شکل‌گیری وابستگی متقابل درون منطقه‌ای زمینه‌ساز تشدید اهمیت شکل‌دهی به ترتیبات جدید امنیت منطقه‌ای به منظور ایجاد وابستگی متقابل امنیتی میان گروهی از کشورهاست. در راستای این امر مجموعه امنیتی شبکه‌ای میان برخی کشورها به وجود می‌آید که امنیت یک کشور را در گرو تأمین امنیت در کشور دیگر می‌کند و زمینه بروز اختلاف و درگیری را کاهش می‌دهد. بنابراین تأمین امنیت ملی پیش‌رانی با قابلیت‌های بالا در تغییرات محیطی است.

## 2. تقویت اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای

با پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، خاورمیانه شاهد حضور دو ائتلاف بزرگ منطقه‌ای بوده است که همواره در تقابل با یکدیگر تعریف شده‌اند و موفقیت یکی در منطقه به معنی کاهش نفوذ دیگری بوده است و بالعکس. این دو محور عبارت‌اند از: محور سازش به رهبری ریاض و قاهره که حمایت از منافع غرب و حفظ وضعیت کنونی در حمایت از دیکتاتورهای موجود را سرلوحه عمل خویش قرار داده‌اند و محور مقاومت با حضور تهران، دمشق، حزب‌الله و حماس که دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با نظام سلطه را در همه حوزه‌ها در دستور کار خود داشته‌اند (کریمی، 1396: 3).

در این شرایط یکی از برنامه‌های محور مقاومت افزایش اقتدار با ائتلاف‌سازی با کشورهای حامی و همسو است. در واقع کسب جایگاه کشورهای حامی در سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای یکی از پیش‌ران‌های مهم روابط بین‌الملل در قرن بیستم و قرن بیست و یکم است. سازمان‌ها فرصت مناسبی در اختیار کشورها قرار می‌دهند تا در جایگاه مطمئنی از منافع خود دفاع کنند. تنوع و تکثر در حوزه فعالیت این سازمان‌ها، زمینه را برای مشارکت هرچه بیشتر و تأمین منافع ملی بر اساس مقتضیات و شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌کند. سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند متشکل از دو یا چند کشور هم‌جوار متعامل با پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی باشند. این سازمان‌ها می‌توانند در دوران حاکمیت یکجانبه‌گرایی نقش مهم و تأثیرگذاری برای تعامل و مقاومت و تأمین منافع ملی ایفا کنند. از جمله ویژگی‌های اثرگذار و نتایج حاصل از این پیش‌ران که اهمیت ائتلاف سازمان‌های منطقه‌ای را نشان می‌دهد، عبارت‌اند از:

1. همگونی بیشتر کشورهای عضو، عامل افزایش اتفاق نظر آنهاست. تنوع و تعدد کشورهای عضو یک سازمان منطقه‌ای بسی کمتر از تنوع و تعدد اعضای یک سازمان جهانی است.

2. تأثیرپذیری کمتر از نفوذ قدرت‌های بزرگ و تنش‌ها میان آنها؛

3. پشتیبانی از ملت‌ها و دولت‌های منطقه از تصمیم‌های منطقه‌ای با هدف برخورداری از مشروعیت بومی بیشتر؛

4. حل و فصل بهتر و مؤثرتر منازعات؛ از آنجا که کشورهای منطقه، خود را بیشتر در معرض خطر و آسیب منازعات منطقه‌ای می‌بینند، با همیاری افزون‌تر و توسعه فعالیت‌های دیپلماتیک می‌کوشند آن منازعه به شکل مؤثرتر و سریع‌تری حل و فصل شود و پایان یابد.

5. ضعف و ناکارآمدی سازمان‌های جهانی در از میان بردن اختلاف‌ها به ویژه



اختلاف‌های منطقه‌ای؛ این ناکارآمدی ناشی از محدودیت منابع مالی و کمبود نیروهای متخصص جهانی‌اندیش و حتی نیروهای متخصص عادی در سازمان‌های جهانی و کم‌میلی آنها به مدیریت و حل بحران‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است. گفتنی است فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بحران بلوک شرق و برخی بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سومالی، یوگسلاوی سابق، افغانستان، لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و ... هزینه‌های زیادی به سازمان ملل متحد در زمینه حل و فصل اختلاف‌ها و منازعات منطقه‌ای تحمیل کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲).

بنابراین لازم است ایران برای حمایت از کشورهای حامی و ارتقای سطح قدرت آنها شرایط مناسب و حضور مؤثر در سازمان‌ها و اتحادیه‌ها چندجانبه با آنها را افزایش دهد. اکنون اتحاد میان اعضای شکل‌دهنده به محور مقاومت (ایران، سوریه، حزب‌الله، حوثی‌های یمن، حشد الشعبی، کتائب حزب‌الله عراق و ...) فراتر از یک اتحاد تاکتیکی، اتحادی راهبردی شده است. در سال‌های اخیر با سیاست‌های ایران در منطقه، به ویژه پس از حمایت‌های ایران از مردم غزه در جنگ‌های ۲۲ روزه و از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه و به نتیجه نرسیدن رژیم صهیونیستی در این حملات، محبوبیت ایران میان افکار عمومی منطقه فزونی یافت. با عضویت جنبش‌ها و کشورهای بیشتری در محور مقاومت، قطعا شاهد شکل‌گیری ترتیباتی منسجم‌تر، سازمان‌یافته‌تر و قانونمندتر خواهیم بود. ائتلاف در سایه محور مقاومت می‌تواند موقعیت را به گونه‌ای رقم بزند که از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر استفاده شود.

### 3. مشروعیت

مشروعیت سیاسی برای کشورهایی که در جبهه مقاومت قرار دارند یک پشتوانه و در افزایش موقعیت ممتاز آنها یک فرصت است. در محور مقاومت سیاست‌هایی که مبتنی بر ارزش‌های متعالی الهی، خودباوری و خوداتکایی اعمال شوند مشروعیت‌آورند؛ اما کشورهای که مشروعیت داخلی نداشته باشند و نظام سیاسی و اقتصادی وابسته‌ای داشته باشند، فاقد جاهت و جایگاهی معتبر خواهند بود و نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی اصلاحی هستند. از سویی وجود پیش‌ران مشروعیت زمینه را برای تحمل فشارهای اقتصادی و مشکلات دیگر فراهم می‌کند و با اتکا به پشتوانه مردمی، تصمیم‌گیری‌ها بیشتر معطوف نتیجه خواهد بود. این شرایط برای محور مقاومت به لحاظ مشروعیت مردمی یک برگ برنده و فرصت‌سازنده است. مقاومت ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین در برابر اقدامات

خصمانه آمریکا که به افزایش هزینه حضور آمریکا، اجبار به خروج از منطقه و تأمین استقلال و خودکفایی کشورهای منطقه انجامیده، نمونه‌هایی روشن از ظرفیت قدرت مشروع نظام سیاسی ایران است. وقتی کشوری از پایه‌های مشروعیتی کافی برخوردار باشد می‌تواند موازنه قدرت را به نفع خود مدیریت کند و برای کشورهای متجاوز تهدید به حساب آید و برای آنها به بحرانی فراگیر تبدیل شود. با این مقدمه می‌توان اذعان داشت مشروعیت مردمی ایران پشتوانه محور مقاومت است. وقتی ایران قدرت موشکی برتر دقیق و حجیم خود را به تعداد زیاد علیه هدفی نظامی استفاده کند - تجربه حمله به عین الاسد - باور ذهنی آمریکایی‌ها به اینکه ایران موشک‌های دقیق‌تر زیادی دارد، افزایش پیدا می‌کند و احتمال می‌دهد در صورت واکنش نشان دادن، ایران اقدام به تکرار حمله موشکی خواهد کرد. این اقدام جسورانه با اتکا به مشروعیت داخلی ایران رقم خورده و تهدید ناشی از این مشروعیت برای آمریکا از تهدیدهای موشکی جدی‌تر است و به ایران اجازه گفتمان‌سازی پیش‌تدبیرانه‌ای می‌دهد که به تأمین امنیت ایران و بازدارندگی دشمن منجر شود. بنابراین پیش‌ران مشروعیت به ایران فرصت می‌دهد تا به تدریج گفتمان مقاومت را به عنوان گفتمان غالب در منطقه نهادمند کند. نمونه‌ای از این اقتدار و مشروعیت را می‌توان در کشورهایی که با ما دشمن هستند یا دست‌کم در جبهه ایران و مقاومت فعال نیستند مانند کویت و قطر، در رویدادهایی چون شهادت حاج قاسم سلیمانی مشاهده کرد که بلافاصله با ابراز برائت از عاملین ترور، این اقدام را محکوم کردند. بنابراین قدرت ناشی از پیش‌ران مشروعیت در محور مقاومت به مرکز ثقلی تبدیل می‌شود که چند دستاورد راهبردی دارد:

۱. توجه دشمن را به خود جلب می‌کند و مانع از تعرض مستقیم به مرکز این قدرت یعنی جمهوری اسلامی می‌شود.

۲. تهدید از مرکز ثقل دور می‌شود و به حاشیه‌ها می‌رود؛ یعنی دفاع در خارج از مرزهای خودی دنبال می‌شود.

۳. مقاومت‌های بیرونی به مراکز ثقلی تبدیل می‌شوند که در قوای دشمن و نیروی‌های درگیر تفرقه ایجاد می‌کنند. برای مثال چون فلسطین با اسرائیل درگیر است، اسرائیل متوجه ایران نخواهد بود. همچنین درگیری حزب‌الله با اسرائیل و آمریکا این دو رژیم را به مشکلات عرصه نبرد با حزب‌الله مشغول می‌کند. درگیری در یمن نیز همین تبعات را به دنبال دارد. در واقع استهلاک توان دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی در میدان‌های نبرد از حریم امنیتی ایران محافظت می‌کند.

۴. ائتلاف دشمنان ایران و اتحادیه‌های منطقه‌ای برای تصمیم‌گیری علیه ایران انسجام

کافی ندارند؛ زیرا شکاف در دولت‌های عضو تشدید می‌شود و در شرایط بحران برای حفظ منافع ملی خود، امکان تصمیم‌گیری‌های یکپارچه برای مثال در خصوص جزایر سه‌گانه و ... فراهم نخواهد بود.

۵. باعث تقویت انگیزه‌های اعتقادی محور مقاومت خواهد شد؛ چنان که عمده نیروهای حامی ارتش سوریه از نیروهای ایرانی، حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق، تیپ فاطمیون (افغان‌های شیعه) و تیپ زینیون (پاکستانی‌های شیعه) و ... بودند. خصوصیت مهم این نیروها، انگیزه اعتقادی برای نیل به اهداف میدان درگیری بود. در واقع «مدافعان حرم» دارای روحیه اعتقادی مشترک در میدان نبرد با گروه‌های تکفیری بودند.

۶. مشروعیت نظام سیاسی، قدرت دیپلماسی نهضتی محور مقاومت را افزایش می‌دهد. دیپلماسی نهضتی دارای شاخصه‌ها و عناصر مختلفی است که برای پیشبرد اهداف نظری و مأموریتی خود بر اساس آن مؤلفه‌ها عمل می‌کند. مهم‌ترین اصول آن نفی سلطه و مقاومت در برابر آن به منظور کسب هویت و حفظ مشروعیت است. حضور دین در عرصه اجتماع و استحکام آن در عرصه قدرت سیاسی پشتوانه قوی محور مقاومت است.

#### 4. تحقق حق و عدالت

در شرایط حساس کنونی جهان و منطقه، محور مقاومت با شعار دفاع از حق و عدالت در مقابله با سلطه‌گری از موقعیت خوبی برخوردار است. نظریه مقاومت به عنوان یک نظریه‌ریایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت، روایت «انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی» و نظام بین‌الملل است. بدون شک چنین مقاومتی - مقاومت پویای برخاسته از انقلاب اسلامی - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول‌الله (ص) است؛ از این رو شاید مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران همین چالش در برابر هژمونیک‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی باشد. ریشه‌های نظام سلطه را باید در عقلانیت ابزاری جهان غرب همراه انگیزه راهبردی برای غلبه بر منابع اصلی قدرت دانست. از قرن ۱۹ به بعد، الگوی نظام سلطه با تغییراتی روبه‌رو و فرایند کشش مبتنی بر استعمار از درون جهان غرب با انتقاد مواجه شد. در این دوران، سازکارهای اقتصادی جدیدی در نظام سرمایه‌داری غرب شکل گرفت. مقاومت و جابه‌جایی در قدرت و شکل‌گیری چنین وضعیتی بیانگر آن است که هژمونیک‌گرایی ایالات متحده و خشونت در نظام سلطه می‌تواند نتایجی از جمله بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را در حوزه‌های جغرافیایی داشته باشد (داوند، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۵).

تحقق حق و عدالت در صحنه روابط بین‌الملل لزوماً نیازمند توجه به ارزش‌های انسانی

و الهی برای بهره‌گیری از منابع شناخت همچون عقل و وحی است که زمینه‌ساز تأمین عدالت و سعادت انسان و جامعه است. بی‌توجهی به یکی از این منابع شناخت، مشکلاتی را در عرصه عمل به وجود خواهد آورد. در عرصه بین‌الملل، دو نوع نیروی خیر و شر و حق و باطل وجود دارند که به عنوان عوامل مناقشه یا تعامل شناخته شده‌اند. صحنه بین‌الملل صحنه تقابل و مبارزه حق و باطل است. بر این اساس می‌توان با نگاه واقع‌بینانه چنین تصور کرد که هدف در روابط بین‌الملل کسب حداکثر قدرت، امنیت و رفاه مادی نیست، بلکه غایت اصلی تأمین عدالت، سعادت و تعالی در راه رسیدن به ارزش‌های الهی است.

محور مقاومت قادر است برای تحقق حق و عدالت، صدور انقلاب را به عنوان یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد. محور مقاومت از یک سو، به بنیان‌های نظری از قبیل ایدئولوژی جهان‌شمول، استبداد و استعمارستیزی و از سوی دیگر، به پایه‌های عملی و قابلیت‌هایی از قبیل سازماندهی عملیاتی و شبکه‌سازی انقلابی، امکانات، اراده، قدرت معنوی و توانایی فرهنگی، بیدارسازی، استقامت و پایداری در عزم انقلابی نیاز دارد.

### خران آمریکایی

نگاهی به چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های منطقه و شعارها و روندهای آن، افکار عمومی را متوجه افول قابل ملاحظه موقعیت و قدرت آمریکا می‌کند. در واقع اولین برداشت از خیزش‌های مردمی منطقه این است که تلاش دارند سلطه چندین ساله آمریکا را بردارند تا به استقلال و رهایی حاکمیت خود از آمریکا و صهیونیست دست یابند. اصطلاح پاییز آمریکایی در تحلیل وضع موجود را نگارنده به کار برده است و در شرح آن باید اذعان داشت پاییز فصل تغییر و دگرگونی طبیعت، زرد شدن و رنگ باختن برگ‌ها و رو به زوال رفتن آنهاست. فصل ریزش برگ‌ها نه رویش، و فصل کوچ پرندگان نه خیالی برای ماندن است. فصل ورود به محیطی سرد و منجمد که خبر از راه رسیدن فصل زمستان سخت و دشوار را می‌دهد. پاییز فصل رویدادهای پیش‌بینی نشده طبیعت است که طبیعت را به خواب زمستانی دعوت می‌کند. این تمثیل بیانگر وضعیت و موقعیت فعلی آمریکاست، زیرا همه اتفاقات و تحولات جاری و در حال وقوع در منطقه خبر از افزایش ضریب آسیب‌پذیری آمریکا می‌دهد. پس بهتر است وضع حال آمریکا را به فصل پاییز و در تمثیل به «پاییز آمریکایی» توصیف کرد. این تحلیل با جو محیطی حاکم بر شرایط آمریکا در منطقه انطباق دارد و نوع تعامل و تقابل این کشور با مقاومت اسلامی و بیداری اسلامی را بهتر ترسیم می‌کند. پاییز آمریکایی در تجربه کشورهای

عربی و با فرآیند تغییرات در کشورهایمانند تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن، اردن، عمان، عربستان و... کاملاً همخوانی و مطابقت دارد؛ زیرا با شروع انقلاب‌های عربی در تونس و پس از آن مصر و حذف مهره‌های آمریکایی و صهیونیستی یکی پس از دیگری از رأس حکومت‌های عربی در خاورمیانه، شکست پروژه‌های صهیونیستی و آمریکایی بیش از پیش خود را به جهانیان و حتی خود آمریکا نشان داد و ترس و نگرانی شدیدی ایجاد کرد به گونه‌ای که از نظر بسیاری از تحلیلگران، آمریکا بازنده اصلی تحولات جهان عرب محسوب می‌شود (عیوضی، ۱۳۹۱/۱۲/۱۸).

### تلاقی منابع

در این صورت حمایت ایران از محور مقاومت، کنشی و معطوف بقاست. مهم‌ترین مؤلفه هویت‌بخش محور مقاومت را می‌توان مقاومت در برابر اشغالگری و دخالت بیگانگان در منطقه دانست. در واقع، کنش‌های معطوف مقاومت، ماهیتی تدافعی دارد و هدف اساسی آنها جلوگیری از تحقق نقشه‌های اسرائیل و حامیانش در منطقه است. بر همین اساس «حمایت از مسئله فلسطین و آزادسازی قدس» نقطه کانونی مؤلفه‌های هویت‌بخش به محور مقاومت است. از همین جا می‌توان به تفاوت کنش‌های معطوف مقاومت با خشونت‌های تکفیری‌ها پی برد. کنش‌های معطوف مقاومت، ماهیتی تدافعی دارد و معطوف دفع تجاوز خصم است، اما کنش‌های خشونت‌بار تکفیری‌ها، ماهیتی تهاجمی دارد. در ضمن این دو در هدف‌گذاری نیز با هم تفاوت دارند (محمدی قراسویی، ۱۳۹۶). در این زمینه رهبر انقلاب می‌گوید: «ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی‌توانیم زیر بار زور برویم، نمی‌توانیم زیر بار ظلم برویم، نمی‌توانیم در مقابل ظالم نایستیم. این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری اسلامی اعلام می‌کند هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به خاطر این است. اینکه ما روی مسئله فلسطین این جور اصرار داریم، به خاطر این است. چون لازمه توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم پیه مظلوم بایستد. حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری می‌کند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد... ایستادن ما در کنار گروه‌های مقاومت، در منطقه غرب آسیا به همین دلیل است» (بیانات، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵).

امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «باید جوانان ما بدانند تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد، محال است از خود بگذرد و در فکر امت باشد» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۲۲).

براساس فرمایش رهبری باید اذعان داشت حمایت ایران منبعث از گزاره‌های هویتی است؛ اما هویت انقلاب اسلامی بر اساس رویکرد انقلابی با هدف ساخت تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر است. تمدن‌سازی مهم‌ترین شکل حمایت همه‌جانبه بر اساس منطق آرمانی ایران از محور مقاومت است؛ زیرا مرحله آرمانی انقلاب تمدن‌سازی اسلامی است و این معنا در چشم‌انداز امام و رهبری هوشمندانه دیده شده است. اگر غیر از این باشد، انقلاب ایران در نیمه راه از مسیر واقعی جدا می‌شود و قدرت کنشگری خود را از دست می‌دهد. با قاطعیت تأکید می‌شود رمز پویایی و ماندگاری محور مقاومت چشم‌انداز تمدنی به آینده است و این مسئله چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به آینده خواهد بود. در خصوص حمایت از تولید فکر و پرورش نیروهای مقاومت با نگاهی تمدن‌ساز به فرازی از فرمایشات رهبری اشاره خواهد شد: «برای ایجاد يك تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی، تولید فکر و دیگری پرورش انسان. فکر اسلامی مثل يك دریای عمیق است؛ يك اقیانوس است. ... تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. ... تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راهگشا برای بشریت، شرط دوم، پرورش انسان است» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳). مقام معظم رهبری اولین مرحله فرایند یعنی انقلاب اسلامی را آغاز یک تحول برای پیشرفت و شکوفایی علمی ملت ایران و زمینه‌ای برای شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی می‌داند: «گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌ای است استخراج و به کار گرفته شود» (پیام به مناسبت اولین سالگرد امام راحل، خرداد ۱۳۶۹).

امام و رهبری ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در آینده را تمدن‌ساز دانسته و راهکارهای نیل به این هدف را در موارد متعدد به تصویر کشیده‌اند. همچنین سیر تحولی انقلاب اسلامی را به گونه‌ای مرحله‌بندی کردند که غایت آن تأسیس یک تمدن نوین اسلامی باشد.

### جمع‌بندی

نتایج حاصل از حمایت جمهوری اسلامی از محور مقاومت و حمایت هر واحد سیاسی دیگر مقاومت می‌تواند به نتایج زیر منجر شود:

۱. کسب تجارب ارزنده و کشف قابلیت‌های درونی، تربیت فرماندهان جان‌برکف و

- قدرتمند و نهادینه کردن پایداری و ایستادگی ملت‌ها در برابر سلطه‌گر؛
۲. گرایش منطقه‌ای و جهانی ملت‌ها، سازمان‌ها، نهادهای مردمی و آزادی‌خواه؛
  ۳. بازمهندسی قدرت ایران در هندسه قدرت جهانی و تعیین جایگاه قدرتمند انقلاب اسلامی ایران در محور مقاومت؛
  ۴. کمک به حفظ، تقویت و تداوم مقاومت ملت‌های درگیر استعمار جهانی؛
  ۵. تضعیف اقتدار جهانی نظام سلطه و بی‌ثباتی اسطوره‌ای جهانی آمریکا و صهیونیسم؛
  ۶. افزایش انگیزه مقاومت بین ملت‌ها و امید به آینده، نشاط سیاسی و تکلیف‌مداری در پاسداری از ارزش‌ها؛ استمرار حمایت‌های مردمی و دولت‌های منطقه‌ای می‌تواند فضای بیشتری برای ایفای نقش محور مقاومت فراهم کند.
  ۷. تقویت روحیه مقاومت در جهان به عنوان گفتمان جهانی در بازدارندگی نظام سلطه؛
  ۸. شکل‌گیری هسته‌های جدید مقاومت مردمی در منطقه مانند گروه‌های مقاومت مردمی در عراق (حشد الشعبی)، افغانستان (فاطمیون)، پاکستان (زینیون)، سوریه (گروه‌های داوطلب مردمی) و یمن (انصارالله) و...؛
  ۹. کمک به قدرت‌یابی محور مقاومت اسلامی در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و نظامی، علمی، فنی، اقتصادی و هم‌افزایی قدرت در آنها از طریق فعالیت‌های شبکه‌ای.
- باید از تجربه حضور محور در عرصه‌های مختلف درس‌هایی برای آینده آموخت. محور مقاومت تا کنون ثابت کرده است که می‌تواند تهدیدهای منطقه‌ای را به فرصت تبدیل کند؛ توانسته است قدرت‌های جهانی را با غافلگیری مواجه کند و به حاشیه براند؛ به وحدت نیروهای مبارز و ضد اشغال کمک کند و بنای امنی برای آنها بسازد؛ محور مقاومت توانسته است استراتژی مبارزاتی را در چارچوب اسلامی ناب و اصیل گفتمان‌سازی کند. برخی اصول مبارزاتی محور مقاومت به شرح زیر است:
- صلح‌طلبی: گفتمان مقاومت ضمن تأکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه، همواره گفتمانی صلح‌طلب است. معنای این سخن این است که بیشترین تمرکز این گفتمان در برابر پدیده‌های بین‌المللی تأکید بر صلح‌طلبی و دوری از جنگ و خشونت است. بر عکس سیاست توسعه‌طلبی آمریکا و اسرائیل بر پایه جنگ و خشونت پیاده‌سازی می‌شود چون تنها تضمینی است بر حفظ منافع و حضور آنها.
- اسلام‌خواهی: یکی از ویژگی‌های مهم گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. حمایت ایدئولوژیک ایران به انسجام معنایی و نهادینه‌سازی گفتمان دینی انقلاب اسلامی در منطقه کمک خواهد کرد.



- استقلال‌طلبی: گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تأکید داشته است. در واقع عنصر استقلال‌طلبی به این گفتمان بین جنبش‌ها و مکتب‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای بخشیده است.

- مبارزه با استکبار و استبداد و سلطه‌ستیزی: شاید بتوان فلسفه وجودی گفتمان مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعریف کرد. در واقع این گفتمان زمانی قوام یافت که در مقابل خود نظام و گفتمانی به نام سلطه را پیش رو داشت که فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقی و احترام به حقوق ملت‌ها عمل می‌کرد. گفتمان مقاومت پاسخی به این ظلم و جور بود. گفتمان مقاومت اسلام‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و... است.

- مبارزه با فتنه‌گری‌های مذهبی و طایفه‌ای: بعد از ۱۱ سپتامبر ایجاد درگیری‌های مذهبی و طایفه‌ای در کشورهای منطقه به صورت جدی در اولویت سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت. افغانستان، پاکستان، عراق و لبنان نقاط بحرانی در اجرای چنین سیاستی بودند. زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی این جوامع بیشتر در معرض برپایی چنین فتنه‌ای بود. در این چارچوب برای خنثی‌سازی این فتنه، دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی ایران منطبق بر بیانات مقام معظم رهبری «اصل همدلی امت اسلامی» به صورت فعال درآمد و تلاش‌های زیادی در این راستا صورت گرفت که دستاوردهای خوبی برای محور مقاومت و هم‌جمهوری اسلامی ایران و کشورهای در معرض تهدید داشت.

- تشکیل جبهه ضد استکباری: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت به سمت مرکززدایی از غرب با محوریت ایران، به تعامل با سایر کشورهای جهان نیز توجه شد. با توجه به این اصل و وجود دولت‌های استقلال‌خواه و مردم‌گرا در سایر مناطق جهان که در امر مبارزه با امپریالیسم ایالات متحده کاملاً با ایران همسو بودند، فرصتی تاریخی برای تشکیل یک جبهه ضد امپریالیستی فراهم شده است. این وضعیت برای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت بسیار مهم است؛ زیرا به این وسیله به مقابله با آمریکا و جلوگیری از استمرار هژمونی آن پرداخته است.

در نهایت حمایت ایران از محور مقاومت بر این اصل استوار است که قدرت‌های منطقه‌ای به علت تأمین منافع و افزایش نفوذ خود، مواضع متعارضی در تحولات و بحران‌ها اتخاذ می‌کنند. برای نمونه می‌توان به مواضع متعارض با محور مقاومت از سوی کشورهای عربستان و ترکیه در بحران سوریه که جدی‌ترین صحنه درگیری منطقه‌ای بود، اشاره کرد. در این بحران، جمهوری اسلامی ایران، دولت سوریه و حزب الله لبنان در یک طرف و عربستان سعودی و برخی کشورهای عربی، اسرائیل، ترکیه و گروه‌های خشونت‌گرایی مانند داعش و جبهه النصره در طرف دیگر قرار داشتند.



## منابع و مآخذ

### منابع فارسی

- آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱۴.
- آذربایجانی، کریم، سید کمیل طیبی و حسین هسنیجه (۱۳۸۱)، «تعیین مناسب‌ترین ترتیب تجاری- منطقه‌ای برای اقتصاد ایران بر اساس شاخص‌های همگرایی و جهانی شدن»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۳.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲/۸/۵)، «نقش سازمان‌های منطقه‌ای در پایداری امنیت کشورهای عضو»، [www.basirat.ir/fa/news](http://www.basirat.ir/fa/news).
- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۱.
- بابایی، محمد (۱۳۹۴/۲/۶)، «جبهه مقاومت در شکل‌دهی به نظم جدید جهانی نقش محوری دارد»، قابل دسترس در [www.javanonline.ir/fa/news](http://www.javanonline.ir/fa/news).
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه روابط خارجی، س اول، ش ۱، بهار.
- داوند، محمد، محسن اسلامی و حجت داوند (۱۳۹۷)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۲۵.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۵)، مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی، سید شمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۵)، «بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور مقاومت اسلامی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۵، ش ۱، بهار.
- صفری، اکبر (۱۳۹۰)، «تحولات منطقه و مأموریت رسانه‌های غربی-عربی»، روزنامه کیهان، اول تیر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، ایده‌ها و ایدئولوژی‌ها، تاریخ اندیشه سیاسی، نشر نی.
- عراقی، عبدالله (۱۳۹۴)، «نقش حزب الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) با تأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۴، ش ۹۳.
- فتحی، یحیی (۱۳۸۱)، «مقایسه تطبیقی تأثیرات دورویکرد جهانی شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی بر تجارت جهانی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۷)، «نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۱۱، ش ۴۰.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، ش ۲۰.
- مانوارینگ، جی. ماکس (۱۳۸۵)، «وزونلا و جنگ نامتقارن»، ترجمه محمد محمدی تمنایی، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- محمدی قراسویی، محمد (۱۳۹۶)، «محور مقاومت، ابعاد و مؤلفه‌ها»، ۲۸ بهمن، در: <http://alwaght.com>.
- نونزاد، مسعود (۱۳۸۴)، «کارکرد سیاست جایگزین واردات در بخش صنعتی ایران»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، ش ۲۲۱-۲۲۲.

### منابع انگلیسی

- Anderson, Tim (2019), Tel Aviv Is Afraid of "The Axis of Resistance", Available At: <https://www.globalresearch.ca/tel-aviv-afraid-axis-resistance/5677381>.
- Colucci, Lamont (2018), "Beware Iran's 'Axis of Resistance'", at: [www.usnews.com](http://www.usnews.com), Feb. 23, 2018.
- Muhammad, Hussein (2020), The 'Axis of Resistance' Is Hypocritical, not 'Anti-imperialist', Available At: <https://www.middleeastmonitor.com/20200221-the-axis-of-resistance-is-hypocritical-not-anti-imperialist/>
- Wright, Robin (2019), Iran Entrenches Its "Axis of Resistance" Across The Middle East, Newyorker, Available At: <https://www.newyorker.com/news/our-columnists/iran-entrenches-its-axis-of-resistance-across-the-middle-east>
- Kaye, Dalia Dassa and Frederic Wehrey (July -August 2011), "Arab Spring, Persian Winter: Will Iran Emerge the Winner of the Arab Revolt?", Foreign Affairs, Vol. 90, No.4.

### بیانات

- بیانات امام خمینی
- بیانات مقام معظم رهبری در سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).

### سایت فارسی

- سایت خبری آی پرس، ۱۳۹۰/۱۱/۲۲.

### سایت انگلیسی

- <http://www.rohama.org/fa/pages/?cid=963>
- [www.freedomyou.com](http://www.freedomyou.com)
- [www.freedomyou.com](http://www.freedomyou.com)
- [www.theeconomiccollapseblog.co](http://www.theeconomiccollapseblog.co)

